پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل و ششم) دوشنبه ۱۴ دلو ۱۳۴۷ ه ۳ جنوری ۱۹۶۹ ع

روغتیا او پوهنه

(د اساسی قانون ۳۴ او ۳۶ ماده)

په پرچم کی مو د روغتیا او پوهنی په باب ډیر بحث کړیدی.
دلته زمونږ مقصد د روغتیا او پوهنی په هکله د اساسی قانون د (۳۴) او (۳۶) مادی د تطبیق په باب یوه لنډه یادونه ده.

د دولت په مجموعی بودجه کی، تر ټوله کمه بودجه د روغتیا او پوهنی بودجه ده. مگر له بده مرغه ددی فقیری بودجی زیاته برخه، د ناوړو استفادی او بی ځایه لگښتونو له لاری، په تشکیلاتی تورم کی ضایع کیږی. د هیواد په هیڅ یوه کلی او ولسوالی کی، اصلاً روغتون، داکتر او درملتون موجود ندی. د هیواد دکلیوالو اتفاق ته نیږدی اکثریت تر اوسه د پوهنی او ښوونځی په مفهوم نه پوهیږی.

د افغانستان بزرگران پوهیږی چه چه دولت د مالیی مامور، د احصائیی مامور، حاکم (ولسوال)، ژاندارم، پولیس او زندان لری، مگر ښایی د خلکو یو کوچنی اقلیت خبروی چه د افغانستان حکومت د روغتیا او پوهنی په نوم وزارتونه لری. او دا ځکه چه یوازی د حاکمه طبقی نازولی او د هیواد د نفوسو د متوسطو طبقه څو محدود کسان، هغه هم په مرکز او څو محدودو ښارونو کی له پوهنی او روغتیا نه برخوردار دی.

د اساسی قانون په ۳۴ ماده کس ویل کیږی: «تعلیم د افغانستان د ټولو وگړو حق دی او د افغانستان د دولت او اتباعو له خوا وړیا برابریږی. پدی برخه کی د دولت هدف یو داسی مرحلی ته رسیدل دی چه د افغانستان د ټولو وگرو د پاره پکښی د قانون د حکمونو سره سم د ښوونی او روزنی مناسبی آسانتیاوی راغونډی شی. دولت مکلف دی چه په ټول افغانستان کی د پوهنی د متوازن تعمیم د پاره مؤثر پروگرام وضع او تطبیق کړی.

د ښوونی او روزنی لاربښودنه او څارنه د دولت وظیف ده.

لومړنی ښودنی د ټولو ماشومانو د پاره په هغو ځایونو کښی چه وسیلی یی د دولت له خوا برابر شوی وی حتمی دی.»

د اساسی قانون د دی مادی تطبیق او متوازن معارف د لومړنیو حتمی تعلیماتو او نورو په مورد کی (چه د حکومت د نطاقانو چیغی ناری د هغوی که کار سره پدی زمینه کی په هیڅ توگه د مقایسی وړ ندی) باید دوه عمده موضوع گانی وړاندی شی:

لومړی دا چه: تر څو د افغانستان د خلکو عمومی وضعه له اقتصادی او اجتماعی لحاظه ښه نشی، د پورتنیو مطالبو تطبیق ممکن ندی. دا ځکه چه هغه فقیر او ناداره کارگر او بزگر چه تل د یوی گولی ډوډی په پیدا کولو کی ډوب دی او د خپلو بچیانو د نجات لپاره خپل ورستنی قدرت په کار اچوی او نشی کولی چه خپل ماشومانو ښونځی ته واستوی، څنگه کولی شی د اساسی قانون له پورتنی مادی نه د ځان او د خپلو رنځورو او غریبو ماشومانو په گټه استفاده وکړی.

د افغانستان په کلیو کی هلکان او نجونه له خپلو یلرو او میندو سره په کرندو کی ریږگانی او که چیری دی ربړ ته تن ور نکړی د دوی د کورنیو لپاره به حد اقل ژوند ناممکن شی.

دوهم دا چه: پدی ناچیزه بودجه باندی

(۲ مخ)

سلطان علی کشتمند

وضع اقتصادی زحمتکشان

افغانستان

-۲-

زحمتکشان و مشکل سرپناه:

مسکن اکثریت مطلق خانواده‌های کثیرالاولاد دهقانی و مزدوران زراعتی را غالباً یک کلبه بیغوله یا مغازه مانند گلین یا حصیری یک »اتاقه «تشکیل می‌دهد که معمولاً با بعضی حیوانات خود یکجا در آن بسر می‌برند.

در مناطق دور افتاده کشور هنوز مردم در مغاره‌ها و پناه محافظ طبیعی بسر می‌برند و حتی پوست بز می‌پوشند.

مسأله اسکان کوچی‌ها همان طور لاینحل باقیست به‌جز عده محدودی از خوانین و مالداران بزرگ که از طریق استثمار وحشیانه زحمتکشان کوچی قاچاق بری و غیره ثروت‌های بزرگی انداخته‌اند. دیگران این عده آواره که تعدادشان بیشتر از دو میلیون و نیم می‌شود در شرایطی بسیار ناگوار و غیرانسانی بسر می‌برند و شدیداً مورد استثمار قرار می‌گیرند.

عده بیشترشان در تمام فصول سال به کارهای طاقت‌فرسای دروگری (لو گری) و دیگر کارهای مزدوری زراعتی چوپانی و غیره در برابر مزد فوق‌العاده نا جیز بکار می‌پردازند.

کوچی‌ها از لحاظ مسکن به بدبختی بزرگی دچاراند خانواده‌های ده- پانزده نفری اینان در یک غژدی (خیمه‌ای که از موی بز توسط خودشان بافته می‌شود)، «زندگی »می‌نمایند و عملاً از نعمت معارف و صحت محروم‌اند.

عجیب است که هیأت حاکمهٔ ارتجاعی کشور بی‌توجهی در امر اسکان کوچی‌ها به غرض فریب مردم می‌خواهد در لابه‌لای الفاظ میانی خالی بپوشاند فراوان در نشرات حکومتی از مزایای «زندگی جالب »

(ص ۴)

دکتور اناهیتا

جنگ یا صلح

مرگ یا زندگی

از هیچکس پوشیده نیست که امپریالیزم از طریق حمایت از سیاست صهیونیست در شرق میانه و مداخله مستقیم در ویتنام و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا، از طریق اغماض دوستانه در برابر سیاست تبعیضی حکومت‌های اقلیت نژاد پرست افریقای جنوبی و رودیشیا ایجاد کودتاهای نظامی و تحریک نیروهای ارتجاعی علیه دولت‌های جوان بی‌طرف در قاره‌های آسیا و افریقا و حوصله نشان دادن رفیقانه در برابر ظهور مجدد فاشیزم و تقویهٔ نیروهای انتقام‌جو در مرکز اروپا، صلح جهان را جداً به خطر مواجه ساخته است.

اگر هوشیاری حفظ نشود و نیروهای صلح آگاهانه جلو این تحریکات، دسایس و تجاوزات امپریالیستی را نگیرند، امکان آن وجود دارد که در هر لحظه آتش جنگی که ساحه‌های وسیع‌تر و بالاخره تمام جهان را در بر گیرد مشتعل شود، و تمدن بشری را با تمام پدیده‌های آن در خود ببلعد، و جهان زیبای ما به گورستانی تبدیل شود.

صلح و امنیت نسبی که در جهان وجود دارد، به هیچ صورت صلح و امنیتی نیست که بر پایه‌های مستحکمی استوار باشد. پرابلم‌های ناشی از جنگ دوم جهانی به حال خود باقی‌ست و آبستن خطرات جدیدی برای صلح جهان می‌باشد. سیستمی که به غرض استقرار صلح در اروپا در کنفرانس‌های یالتا و پتسدام طرح گردیده بود، موفق نشد پرابلم‌های ناشی از جنگ عمومی دوم را در اروپا حل کند. احیای مجدد فاشیزم که باری چهل ملیون انسان را قربانی هوس مجنونانه جهانگیری نمود و صحنه‌های فجیع کوره‌های آدم‌سوزی و کامپ‌های جهنمی اسیران آن هنوز فراموش نشده است، سعی برای بر هم زدن وضع موجود (ستاتسکو) در اروپا، تلاش برای شریک ساختن آلمان غرب در ذخایر سلاح ذروی، کوشش آلمان غرب برای به دست یافتن به سرحدات قبل از جنگ و عدم شناسایی جمهوری دموکراتیک آلمان، پرابلم‌هایی‌ست که حامل خطر جدید برای صلح اروپا و جهان می‌باشد.

تماس بسیار نزدیک نیروهای دو پیمان بزرگ نظامی ناتو و وارسا با ذخایر عظیم سلاح ذروی که هر دو پیمان در اختیار دارند و در پهلوی آن تحریکات امپریالیستی، بزرگترین تهدیدی‌ست برای صلح و سلام گیتی.

جلوگیری از وقوع فاجعه تباه کن اتومی و نجات بشریت ایجاب می‌نماید که کلیه افراد نیروهای صلح در یک جبهه واحد ضد امپریالیزم و ضد جنگ‌های امپریالیستی متحد گردند، دسایس و تحریکات امپریالیزم را افشاء و خنثی سازند. چه هر گاه جنگی در جهان واقع شود از نظر وسعت و ضایعات بی‌سابقه خواهد بود، نخستین بم اتومی‌ای که امریکا بر شهر هیروشیما پرتاب کرد، تقریباً دو صد هزار نفر را به قتل رسانید. قرار یک تخمینی که در سال ۱۹۶۴ از طرف دانشمندان به عمل آمده از ذخایر موجود آنوقت سلاح ذروی شانزده ملیون بم اتومی تیپ بم هیروشیما ساخته می‌شود و اکنون ما در ده روز اول ماه دوم سال ۱۹۶۹ می‌باشیم، مقدار سلاح ذروی که از ۱۹۶۴ تا حال ساخته شده، با اضافه ذخایر قبلی انبار عظیمی از مرگ و تباهی را تشکیل می‌دهد که هر گاه مورد استعمال قرار داده شود، نه تنها کشورها بلکه قاره‌ها به ویرانه مبدل خواهد شد. هیچ کشور و حتی هیچ گوشه جهان از ساحهٔ تأثیر مرگبار آن خارج مانده نمی‌تواند. از آن رو تأمین صلح و جلوگیری از جنگ امروز یک موضوع اخلاقی نبوده، بلکه برای بسیاری از کشورهای جهان یک مسئلهٔ مرگ و زندگی است.

کشورهای جوان و نو به استقلال رسیده آسیا و افریقا و همچنان کشورهای امریکای لاتین که بنا بر دوره‌های طولانی تسلط استعمار از نظر اجتماعی و اقتصادی از کاروان تمدن بشری بسیار عقب مانده‌اند و استعمار نو می‌کوشد این عقب ماندگی آن‌ها را دایمی سازد، برای رفع پس مانی‌های خود به صلح و پول ضرورت دارند، در حالی که تنها مصارف نظامی ایالات متحدهٔ امریکا در ۱۹۶۹ به ۱۵۰۰ ملیون دالر بالغ خواهد شد و مصارف نظامی چهارده کشور عضو پیمان ناتو از ۱۰۰۰۰۰ ملیون دالر تجاوز خواهد کرد.

کشورهای پیشرفته برای حفظ ثروت‌های مادی و معنوی خویش که محصول رنج قرون متمادی و مولود دست، دماغ و نبوغ مردم کارگر است، به صلح نیازمندند، از همین جهت صلح برای همه بشریت، جز آن نیروهای ارتجاعی که موقتاً از جنگ سود می‌برند، شعار و خواست عمومی است، بدون برآوردن این خواست عمومی بشری استقرار یک صلح دائمی و دستآوردهای بشر همیشه در معرض تباهی خواهد بود و ترقی آرزوی بسر نارسیده.

در اوضاع کنونی که سرنوشت صلح به تار موئی آویخته است، بر کلیه نیروهای مترقی و صلح‌دوست جهان است که با تمام وسایل دست داشته، افکار عامه جهانیان را علیه سیاست جنگ‌طلبانه و ماجراجویانه امپریالیست‌ها و جنگ‌های محلی آن‌ها بسیج کنند و از طریق واردکردن فشار مشترک و همکاری نزدیک و همبستگی، امپریالیزم را به عقب‌نشینی‌های مزید چه در میادین جنگ و چه در عرصه‌های سیاسی و دیپلوماسی مجبور سازند و

(ص ۳)

باید علیه رشوه، اختلاس

و اسراف به‌مثابه شعار روز مبارزه کرد

در دستگاه دولت افغانستان اصلاً از «سیستم صرفه جویی »خبری نیست. رشوه، اختلاس و اسراف و بیروکراتیزم هر روز مانند موریانه ماشین دستگاه دولت را می‌خورد.

مطابق به تخمینات درست متخصصان مالی حد اوسط نصف بودجه دولت، یعنی دسترنج خلق افغانستان به هدر مصرف می‌گردد.

به این معنی که یا مورد سؤاستفاده رشوه و اختلاس و اسراف قرار می‌گیرد و یا غالباً مصارفی که صورت می‌گیرد، بدون حاصل دهی به شکل راکد در می‌آید که صدها پروژه ساختمانی و صنعتی مبین ادعای ماست.

وظیفه فوری، عاجل و ضروری تمام تحول طلبان کشور است که پرچم مبارزه و افشاگری را علیه رشوه، اختلاس، اسراف و بیروکراتیزم در دستگاه دولت برافرازند و بر اساس حقایق و ارقام، اسراف در مصرف پولی، مواد خام و مواد مصرفی را برملا سازند و از شعار صرفه‌جویی در تمام رشته‌های اقتصادی و در ادارات دفاع کند.

دادن این شعار نه تنها برای کشور فقیر ما دارای ارزش مهم اقتصادی است، بلکه از لحاظ مبارزه روزمره علیه بیروکراسی و افشای آن دارای اهمیت سیاسی نیز می‌باشد.

در میان مأموران دولت، به‌خصوص مأموران عالی‌رتبه دولت به‌صورت سنتی بی‌رحمی و بی‌اعتنایی در برابر پول و مال دولت به حد اعلای خود رسیده است. این بیروکراسی فاسد الا فاقد عاطفه در برابر خلق است و فقط و فقط به دنبال کسب شهرت و نفع شخصی روان است.

امروز افغانستان فقیر و عقب مانده هر چه زودتر خواستار ساده کردن دستگاه اداری، پشتکار و صرفه‌جویی و ایجاد کادرهای فعال برای امور تولیدی و دستگاه‌های تولیدی می‌باشد.

(پژوهنده)

سرنخ ترور ما را به آنهایی که پرچم ما را ترور کرده اند نشان خواهد داد

به سلسله لغات و اصطلاحات سیاسی:

در باره حزب و مفهوم آن

-۱-

هر عمل اجتماعی به سازمان نیازمند است و سازمانی که به مبارزه سیاسی اجتماعی می‌پردازد حزب نام دارد. حزب یک سازمان سیاسی است که در آن همفکران و طرفداران یک آرمان گرد هم جمع می‌شوند.

حزب فعال‌ترین عناصر یک طبقه و یا اقشار اجتماعی معین را در صفوف خود گرد می‌آورد و بیانگر منافع آن طبقه و یا قشر بوده، رهبری آن را در مبارزات اجتماعی به عهده می‌گیرد. احزاب از جهت ماهیت سیاست خود دارای تعلق طبقاتی هستند.

در جریان تکامل سرمایه‌داری سازمان‌های سیاسی پرولتاریا و بورژوازی (کارگران و سرمایه‌داران) دو طبقه اساسی در جامعه سرمایه‌داری و ده‌ها سازمان سیاسی دیگر به نمایندگی از اقشار مختلف اجتماعی تشکیل می‌شود.

علت اساسی تعداد احزاب بورژوازی در برخی از کشورهای سرمایه‌داری وجود گروه‌ها و اقشار مختلف در طبقه سرمایه‌دار و مبارزه داخلی آه‌ها برای کسب قدرت حاکمه است.

بر علاوه بورژوازی از وجود چندین حزب با قیافه‌ها و تضادهای مختلف برای فریب و اغوای مردم استفاده می‌کنند تا آن‌ها را از مبارزه صریح و روشن طبقاتی منحرف سازد.

در مرحله امپریالیزم، انحصارگران و زمامداران در مقابل جنبش توده‌ها، به دیکتاتوری و اختناق متوسل می‌شوند و احزاب فاشیستی به وجود می‌آورند. احزاب فاشیستی در حقیقت گروه‌های حزبی سرمایه‌داری هستند. بورژوازی همچنین با استفاده از ارستوکراسی کارگری سعی می‌کند سازمان‌هایی را برای فریب کارگران ترتیب دهد.

در دوران ما مترقی‌ترین و پیشروترین حزب – حزب طبقه کارگر است که به تیوری پیشرو و جهان‌بینی علمی انقلابی مجهز می‌باشند.

کارگران ضرورت به یک سازمان سیاسی تیپ جدید دارند، که تنها خود را منحصر به مبارزه برای ارضای نیازمندی‌های آنی خلق کارگر نمی‌سازد، بلکه هدف خود تأمین قدرت را به‌منظور ایجاد تحول بنیادی در جامعه قرار می‌دهد. چنین سازمان حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر است. «برای این که قاطبه یک طبقه معین منافع و موقف خود را دریابد، برای این که بیاموزد تا مشی خود را تعقیب نماید، صریحاً ضرورت آن می‌رود که عناصر پیشرو به‌صورت فوری و به هر قیمتی که باشد حتی اگر این عناصر در وهله اول جزء کوچکی از طبقه را دربر گیرد، متشکل گردند.»

حزب طراز نوین طبقه کارگر، سازمان راستین طبقه کارگر، مدافع و بیانگر کلیه منافع همه توده‌های زحمتکش است. این حزب است که می‌تواند رهبری صحیح مبارزه طبقاتی زحمتکشان را به دست گیرد و از همه انواع مبارزه استفاده کند، صورت تلفیق صحیح تمام اشکال آن را تعیین نماید. این حزب در فعالیت خود جهان‌بینی علمی را رهنمای عمل خود قرار می‌دهد و با تجربه خود آن را غنی می‌سازد.

افراد ترقی‌خواه پیشرو از آنجا که پیش‌آهنگ و پرچمدار پیشروترین طبقه جامعه معاصراند، از آنجا که با تیوری علمی و موازین سازمانی مستحکمی مجهزاند، احزاب تیپ جدید را تشکیل می‌دهند.

عناصر ترقی‌خواه پیشرو، کارگران، دهقانان و آن روشنفکران‌اند که با شعور بیشتر طبقاتی، استواری ایدیولوژیکی و بالاخره کرکتر انقلابی و آمادگی در برابر هرگونه آزمایش به خاطر آرمان عالی‌شان که برای تحقق آن گرد هم آمده‌اند، از دیگران متمایز می‌گردند، زندگی ایشان با منافع مردم بستگی دارد.

اصول خلاق جهان‌بینی علمی می‌آموزد که:

۱- احزاب طبقه کارگر قبل از آنکه پیش‌آهنگ واقعی طبقه کارگر گردند، معمولاً مراحلی از رشد سیاسی و سازمانی را از سر می‌گذرانند، در آغاز لازم است که وحدت ایدیولوژیکی تأمین گردد، اعضا پرورش حزبی ببینند و سازمان رشد یابد. سپس وقت آن فرا می‌رسد که حزب در میان توده‌ها برود و اعتصابات و فعالیت‌های توده‌ای طبقه کارگر را رهنمایی نماید. درین مرحله حزب جنبش خود به خودی طبقه کارگر را به جنبش متشکل و آگاهانه مبدل می‌سازد و بعداً به یک نیروی واقعی سیاسی قادر به رهبری نه تنها اکثریت طبقه کارگر، بلکه توده‌های وسیع مردم تبدیل می‌گردد. در اثر شرایط عینی نوینی که اکنون در جهان پدید آمده است تمام احزاب کارگری امکانات آن را دارند که به سطح عالی‌تر رشد و تکامل خود وارد گردند.

۲- حزب طبقه کارگر ارگان مترقی زحمتکشان و پیش‌آهنگ آن است که تمام سازمان‌های دیگر کارگری یعنی اتحادیه‌ها، کوپراتیف‌ها و غیره را به هم پیوند می‌دهد، آن‌ها را از لحاظ سیاسی رهبری می‌کند و فعالیت‌های آن‌ها را به جهت نیل به هدف واحد یعنی محو سرمایه‌داری و ایجاد جامعه نوین و مترقی سوق می‌دهد.

این حزب قادر است که در امر ساختمان زندگی اجتماعی بدون بورژوازی و علیه بورژوازی معلم و رهبر تمام زحمتکشان و استثمار شوندگان باشد.

۳- حزب طبقه کارگر از این جهت می‌تواند نقش پیش‌آهنگ مترقی طبقه کارگر و رهبری تمام خلق را اجرا کند که مجهز به تیوری علمی و جهان‌بینی علمی است و با معرفت به قوانین تکامل اجتماعی عملاً می‌تواند ازین قوانین به سود تحول اساسی جامعه استفاده کند.

۴- حزب طبقه کارگر پیوسته آگاهی طبقاتی را در توده‌های وسیع کارگران رشد و پرورش می‌دهد. طبقه کارگر را از نفوذ ایدیولوژیک فاسد بورژوازی مصئون می‌دارد و در برابر هرگونه کوششی که برای تحریف جهان‌بینی علمی به عمل می‌آید، به‌طور آشتی ناپذیر مبارزه می‌کند.

۵- حزب طبقه کارگر نه‌تنها ارگان مترقی و آگاه طبقه کارگر است، بلکه ارگان متشکل طبقه کارگر نیز است. ارگانی که افراد آن را خواست مشترک، تحقق افکار و اندیشه‌های تیوری علمی پیشرو به هم پیوند می‌دهد. در چنین حزبی جایی برای اپورتونیست‌ها، از هر جنسی که باشند، نیست. اپورتونیست‌ها می‌کوشند که وحدت صفوف حزب را برهم زنند، آن را از درون متلاشی سازند.

۶- حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر، حزب واقعی خلق و محل تجمع بهترین نمایندگان خلق است. با هزاران ریشه با توده‌های وسیع زحمتکشان رابطه دارد. از آنجایی که حزب مظهر خواست‌ها و تمایلات خلق و مدافع پیگیر منافع مبرم آنست، از اعتماد و پشتیبانی توده‌های وسیع مردم برخوردار می‌باشند. نیروی غلبه ناپذیر حزب طراز نوین طبقه کارگر از همین ارتباط با خلق و برخورداری از پشتیبانی و توجه خلق است.

(باقی دارد)

به سلسله حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران:

آسمایی

حق استراحت

از حقوق مسلم کارگران است که باید از مرخصی‌های لازم در جریان سال با حفظ دستمزد برخوردار باشند و اقلاً در سال یک ماه استراحت نمایند.

در برابر انجام کار فرساینده و مداوم هر گاه زمینه استراحت و تجدید قوا برای کارگران میسر نباشد، نتیجه آن به تحلیل رفتن تدریجی نیروی کار، ضعف جسمانی و روانی و پایین آمدن سطح بازده کار خواهد بود.

بخصوص آن کار گرانی که در شرایط دشوار و نامساعد می‌پردازند مانند کارگران معادن و غیره نیاز شدیدتری به استراحت دارند. بدین‌جهت در کشورهای سوسیالیستی – هر کارگر حق دارد که با حفظ دستمزد خود همه سال به‌طور مجانی در شبکه‌های وسیعی از آسایشگاه‌های استراحت کند و به تفریح بپردازند.

در مورد حق استراحت و تفریح کارگران اعلامیه حقوق بشر در ماده ۲۴ خود اشعار می‌دارد که:

»هر کس حق استراحت، فراغت و تفریح دارد، به شمول محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های موقوته با اخذ معاش «در جامعه مه کارگران عملاً از این حق محروم‌اند، گرچه قانون ممانعتی نمی‌تواند در مورد محرومیت از استراحت وجود داشته باشد، اما در صورتی که نه وسایل و نه امکانات قرار گیرد.

استراحت مسیر باشد، این خود به معنی محروم بودن از این حق است.

در مورد تأمین حداقل امکانات استراحت و آسایش کارگران در افغانستان هیچ‌گونه تسهیلاتی به وجود نیامده است تا ایشان قادر به چند روزه استراحت مجانی در سال، بدون از دست دادن دستمزد و سایر حقوق خود، گردند و رفع خستگی نمایند. برای اینکه کارگران کشور در کنار سایر حقوق وسع و انسانی خود از این حق نیز مستفید شده بتوانند باید، با تشکل و مبارزه پیگیر و بی‌امان خود، شرایطی را به وجود آوردند که قدرت بدست نمایندگان طبقه کارگر قرار گیرد.

حق اعتصابات و تظاهرات

اعتصابات و تظاهرات سلاح مطمئنی است که کارگران به‌وسیله آن می‌توانند از حقوق خود و از تطبیق قوانین کار دفاع نمایند. به همین جهت سازمان بین‌المللی کار نیز آن را جز اساسنامه خود تصویب نموده است.

آنچه را قبلاً در موارد مختلف حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران گفته‌ایم در صورتی برای کار گران تأمین می‌گردد که ایشان در راه تحقق بخشیدن آن مبارزه نمایند.

یکی از اشکال مبارزه کارگران و نخستین شکل آن مبارزه اقتصادی و صنفی است که این مبارزه عمدتاً از طریق اعتصابات و تظاهرات کارگری به غرض برآوردن مطالبات و خواست‌های کارگران انجام می‌گیرد. هنگامی‌که کارفرمایان و سرمایه- داران به حقوق مسلم و قانون کارگران اذعان نه نمایند، کارگران مجبور می‌کردند که دست به اعتصاب دسته‌جمعی بزنند و گاهی هم آن را به تظاهر خیابانی مبدل سازند: در اثر مقاومت کارفرمایان را وادار به تسلیم در برابر مطالبات قانونی خویش سازند، در غیر آن هیچگاه سرمایه داران به خودی خود حاضر به برآوردن حداقل خواست‌های کارگران در اعتصابات و تظاهرات در تشکل و اتحاد آن‌هاست و همین امر است که غالباً باعث عقب نشینی کارفرمایان و سرمایه داران آزمند در برابر خواست‌های کارگران می‌گردد.

علاوتاً تشکل و اتحاد کارگران و پیروزی آنان در مبارزات روز مره اقتصادی‌شان موجب پیدایش و گسترش شعور طبقاتی آن‌ها و تشکل و اتحاد وسیعشان و گرفتن درس مبارزه برای بر آوردن خواست‌های اساس کارگران و تمام زحمتکشان در مبارزات سیاسی می‌گردد.

اکنون نهضت‌های اعتصابی کارگران در جهان تا حدودی اوج گرفته است که هر روز خبرهای اعتصاب چندین هزاری ی، چندین صد هزاری و میلیونی کارگران را در نقاط مختلف جهان می‌شنویم.

اعتصاباتی که اکنون در جهان بخصوص در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری صورت می‌گیرد کاملاً نماینده‌گی از مبارزات شعوری و آگاهانه کارگران می‌نمایند. اغلب این اعتصابات و تظاهرات کارگری حالا علاوه بر وسعت آن محتوی ماهیت سیاسی می‌باشند.

نهضت اعتصابی و تظاهراتی اخیر فرانسه که مدت زیادی دوام کرد و در آن‌ها یازده ملیون نفر اشتراک ورزیدند مؤید این امر است. در افغانستان نیز در سال‌های اخیر کارگران برای بدست آوردن مطالبات و خواست‌های خیلی ضروری و ابتدای اقتصادی خود از اعتصابات و تظاهرات استفاده کرده‌اند که نهضت اعتصابی اخیر کشور بعد از اول می- روز بین‌المللی کارگران نقطه روشنی در تاریخ مبارزه کارگران کشور بشمار می‌روند.

علی رغم اینکه اکنون اعتصابات و تظاهرات به‌مثابه معمول‌ترین شکل مبارزه در جهان شناخته و پذیرفته شده است و دوم قانون اساسی کشور که اجتماعات صلح آمیز (اعتصابات و تظاهرات) در آن تضمین گردیده است، محافل حاکمه ارتجاعی کشور خیلی تلاش کردند تا در جریان نهضت اعتصابی اخیر، این سلاح و وسیله نیرومند مبارزه قانونی و مسالمت آمیز کارگران و زحمتکشان را از دست ایشان برون کشند برای انجام این امر وسایل گوناگون غیرقانونی و غیر دموکراتیک از ایجاد فضای اختناق و رعب و ترس در کارخانه‌ها و محوطه‌های کار گرفته تا اخراج، حبس و شکنجه کارگران به کار بردند، اما کارگران دلیر کشور که مورد استثمار قرار می‌گیرند، هیچگاه این وسیله قانونی مبارزه را مفت و ارزان از دست نخواهند داد، بلکه در جهت تعمیق نهضت اعتصابی کارگری کشور گام‌های وسیع‌تر و جدی‌تری خواهند برداشت.

(بقیه ص اول)

وطن و جامعهٔ خود را ...

محیط معین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، نیرومندترین عامل در مبارزهٔ طبقاتی زحمتکشان می‌باشد.»

ازین رو بدون شناخت وطن نمی‌توان به پیروزی در مبارزه طبقاتی نایل آمد. شناسایی جامعه و وطن باید در جهات مختلف اعم از شرایط اقتصادی، ترکیب ملی، محلی، قومی، نژادی، قبیلوی، دولت، قوانین، اخلاق، مذهب، فرهنگ، و هنر، آداب و رسوم، عنعنات و سنن و مبارزات مردم ما، صورت گیرد؛ که البته این امر بدون مطالعه عمیق تاریخ و جامعه شناسی کشور امکان پذیر نیست. ولی باید به کمال تأسف اظهار داشت که تاکنون عدهٔ زیادی از مبارزان پیشرو ما در بارهٔ تاریخ و جغرافیای «سیاسی، بشری، اقتصادی و طبیعی »کشور، در بارهٔ خصوصیات جامعه افغانی که در آن زندهگی می‌کنند، معلومات درستی ندارند و در نتیجه نمی‌توانند تعالیم جهان‌بینی علمی و انقلابی را با وضع خاص اجتماعی – اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور وفق دهند و آن را به شناخت ملت ما مقرون سازند.

باید توجه کرد که اگر فراگرفتن اصول جهان‌بینی علمی سهل است، ولی تطبیق آن در شرایط کشور بسیار مشکل و پیچیده است که اشتباهات یک عده از عناصر و محافل مترقی از همین جا ناشی است.

افغانستان یکی از قدیمی‌ترین و خاص‌ترین کشورهاست در قلب آسیا. تاریخ و ترکیب ملی وطن ما مغلق و پیچیده است. خصوصیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سوابق نفوذ استعمار، سلطه دولت‌های مرکزی و محلی فیودالی، پیوند و روابط تاریخی کشورهای همجوار با خلق و تاریخ کشور ما همه و همه مسایلی اند که بدون مطالعه دقیق تاریخ و بدون معرفت با خصوصیات مزبور نمی‌توان قوانین خاص رشد تکامل آینده افغانستان را کشف کرد.

درین زمینه دیگر باید تنبلی و رخوت را کنار گذاشت و باید وطن را از منطقه به منطقه، از سر تا سر از دیروز و امروز به‌صورت عمیق و همه‌جانبه مطالعه کرد و آن را شناخت.

به تاریخ پرافتخار و کهن‌سال وطن و سنن مبارزات خلق کشور آشنایی پیدا نمود و سرانجام پیوند خود را با تاریخ جدید، با جریان حوادث روزمره، تحولات و تغییرات اوضاع وطن و نهضت نوین رهایی‌بخش کشور تأمین کرد و در نتیجه تشخیص داد که بر اساس اصول و احکام جهان‌بینی علمی زحمتکشان، و انطباق خلاق آن در شرایط وطن و جامعهٔ ملی ما می‌توان علماً پالیسی عمومی و جاری خود را تنظیم و شعارهای روزمرهٔ مبارزه و جنبش را صحیحاً استخراج کرد، راه‌های نامنکشف را کشف نمود و در نتیجه تشخیص داد که در شرایط کنونی «خلق »کیست و «دشمن »کدام است، وطن چیست و دشمنان و دوستان وطن ما کیاند، نبض رشد و تکامل آیندهٔ افغانستان در کجاست و راه علاج چیست؟

مؤجز این که مبارزان پیشرو ما باید:

- مقدم بر همه اصول خلاق جهان‌بینی علمی را فراگیرند، زیرا بدون در دست داشتن این قطب نما، پیروزی مبارزه رهایی بخش ملی و اجتماعی ما ممکن نیست.

- باید همت گماشت تا اصول فوق را در شرایط وطن و جامعهٔ ما انطباق داد. برای نیل به این آرمان باید کوشید تا وطن و جامعه خود را همه جانبه بشناسیم و آگاهی و معلومات خود را در بارهٔ اوضاع و احوال مشخص ملی ارتقا دهیم و پیوسته با جریان تغییرات و تحولات جامعه خود پیوند داشته باشیم.

با انجام این وظایف و شرکت عملی در مبارزه روزمره اجتماعی است که می‌توان افتخار نام مبارز پیش آهنگ را کسب نمود و در جنبش رهایی بخش کشور نقش شایسته‌یی را ایفاء کرد.

(د لومړی مخ پاتې)

روغتیا او پوهنه ...

ځنګه کیدی شی «داسی مرحلی ته ورسیږو چه په هغی کی د تعلیم او روزنی مناسبی آسانتیاوی، د افغانستان د ټولو افرادو لپاره »تأمین شی. که د موجود حرکت حساب واخلو ښایی سل کاله، دو سوه کاله وروسته!

د افغانستان د پوهنی د فیوډالی او استعماری ماهیت په باره کی مو زیات بحث کړیدی. لهذا داسی پوښتنه پیدا کیږی چه مقود له پوهنی نه څه ده؟ مسلم حقیقت دی چه مقود له پوهنی نه دا وی چه د هیواد د خلکو عمومی افکار له رخوت، انجماد او وروسته والی نه راوورزی او د معاصر نړی له علم، فن او نظریاتو سره آشنا شی او د عر له مقتضیاتو سره سم فکر او ژوند وکړی، د ځان او د ټولنی په وضعه پوه شی او خپل محیط وپیژنی او په لس‌هاوو نور مطالب. مګر بالعکس زمور د پوهنی پاملرنه دی موضوع ته ده چه د معارف تر نوم لاندی، د خلکو افکار د تیرو پیړیو ژورو ته بوزی او د زړو دورانونو خرافات ور تلقین کاندی. او د نوی نړۍ اجتماعی، علمی او تکنیکی انقلابونه له سترګو نه پټ کړی او پخپل زعم د تاریخ څرخی چپه وګرزوی.

د افغانستان د خلکو روغتیا وضع نسبت د پوهنی تر وضعی ډیره بتره ده!

د اساسی قانو ۳۶ ماده د خلکو د صحت په مورد کی ویلی دی: «دولت موظف دی چه تر خپله وسه د ټولو افغانانو د پاره په متوازن ډول د ناروغیو د مخینوی او علاج وسیلی برابری کړی. پدی برخه کښی د دولت هدف یوداسی پراوته رسیدل دی چه د روغتیا مناسبی آسانی پکښی د افغانستان د ټولو وګړو د پاره برابری شی.»

بیاهم هماغه پوښتنه: آخر کله به د دولت دغه هدف تأمین شی. هغه هم د روغتیا د وزارت پدی فقیره بودجه، پدی سست صحی حرکت، پدی محدودو روغتونونو، او په دی څو داکترانو او کمپودرانو، هغه هم پدی څو محدودو ښارونو کی ...؟

تر څو باید انتظار وایستل شی او د وطن په زرګونو وګړی قصداً د مرض او مرګ منګولو ته وسپارل شی؟ څه باید وشی؟

ګران وطنوال کولی شی د خپلی پوښتنی ځواب د پرچم د جریدی د خپرونو له مجموع څخه، په روښانه او صریح توګه پیدا کاندی.

په اساسی قانون کی د مصرحه متوارنی پوهنی او متوازنی روغتیا تعمیم، یوازی د خلک د موکراتیک مرام د تطبیق له لاری د هیواد خلکو ته برابریدی شی. څکه چه در افغانستان اوسنی حاکمه هیأت د خلکو پوهنی او روغتیا ته واقعی او اساسی توجه نلری.

یادداشت: په (۱۳۴۶) کال کی د روغتیا د وزارت ټوله عادی او انکشافی بودجه (۱۱۲۸۶۱۰۰۰) افغانی ده او د پوهنی (۵۵۵۹۸۸۰۰۰) افغانی ده. د دواړو مجموع (۶۶۹۸۴۹۰۰۰) افغانی کیږی او دا پیسی تقریباً د یوی ۷۲۷ بوییینګ الوتکی له قیمت سره برابری دی.

(نجیب)

اعتراض بر تفاوت وقت حاضری کارگران و مأمورین

عده‌یی از کارگران بر تفاوت مقررات حاضری بین مأمورین و کارگران اعتراض نموده و نوشته‌اند: «از آنجایی که پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان و مظهر آرمان‌ها و انعکاس دهندهٔ وقعی دردها و مشکلات گوناگون خلق‌های زحمتکش وطن است و توانسته است خواست‌ها و مطالبات طبقه جوان کارگر را در برابر ارتجاع کهنه کار قرار بدهد، ما گروهی از کارگران در سلسلهٔ سایر مطالبات نفی و اقتصادی خود، تفاوت بین حاضری مأمورین و کارگران را مورد بحث قرار داده و جهت نشر تقدیم کردیم.

در تابستان وقت روزانه خدمت کارگران نسبت به مأمورین نیم ساعت بیشتر بوده و در زمستان این تفاوت به یک و نیم ساعت می‌رسد. در حالی که کارگران علی رغم محدودیت امتیازات و حقوق مادی به کار شاقهٔ جسمی می‌پردازند و از تسهیلات مانند موتر و غیره محروم‌اند، کدام انصاف و عدالت اجازه می‌دهد که برایشان چنین شرایط ظالمانه و حاضری بی‌رحمانه تحمیل شود؟

چون اکثر زحمتکشان به نسبت عدم استطاعت در کابل خانه به کرایه گرفته نمی‌توانند مجبور می‌شوند به خاطر تعمیل این حاضری ظالمانه در سردترین دقایق صبح و شام چندین کیلومتر فاصله را از مراکز صنعتی تا خانه‌های دهاتی طی نمایند و در نتیجه به نسبت فقدان غذایی و لباس درست به امراض گوناگون موسمی دچار گردند.»

این کارگران ضم پیام فوق از سایر کارگران کشور تقاضا کرده‌اند تا به غرض از بین بردن مقررات ظالمانه حاضری، در مورد کارگران، مبارزه کنند و برای ایجاد شرایط بهتر حاضری به حیث قدم اول مبارزه اتحاد طبقاتی خود را مستحکم نمایند.

پرچم: پرچم از مطالبهٔ عادلانه و بشری کارگران، در مورد خواست فوق پشتیبانی نموده و حمایت کامل خود را از تمام مطالبات قانونی کارگران اعلام می‌دارد.

نتایج سیمینارهای اصلاحی و اجتماعی منفی است

شاغلی عبدالرزاق وردک ضمن نامه‌یی در مورد سیمینارها چنین نوشته‌اند:

«روز نامه اصلاح در شمار ۴۷/۹/۹۵ خود چنین نوشته بود: «در تالار ریاست محاکمان ولایت غور سیمینار اصلاحات اجتماعی و اقتصادی تحت ریاست والی غور ترتیب شده بود ...» این موضوع در ذهن من باعث تداعی سیمینار اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ولایت وردک دایر گردید. این سیمینار به تاریخ ۱۱ سنبله ۱۳۴۶ از طرف وزیر داخله،در ولایت وردک دایر گردید، مراسم افتتاح آن خیلی باشکوه و پرطنطنه گذشت و سیمینار تقریباً یک هفته دوام کرد. ضمن فیصله‌های مختلفی که در سیمینار به عمل آمد دو فیصله 1 تی در رأس آن قرار می گرفت:

هنگام مرده داری نان (بدرگه) و همچنان، نان دادن به فاتحه دهنده گان من بعد منع است.

در عروسی‌ها از ۱۰ – الی ۲۰ سیر آرد و یا برنج و یک رأس گوسفند بیشتر مصرف نشود، (ولور) از ۱۰ هزار افغانی تجاوز نکند و مصارف اضافی به‌صورت قطع ممنوع قرار داده شود. در پایان فیصله سیمینار چنین تبصره به عمل آمده بود: اگر کسی خلاف فیصله سیمینار رفتار نمود، نماینده سیمینار مجبور است به حکومت اطلاع دهد، در صورت عدم اطلاع نماینده سیمینار مبلغ دو هزار الی پنج هزار افغانی جریمه شده و پدر دختر علاوه بر مجازات جریمه نیز می‌شود.

در پایان یک یک نسخه از فیصله‌های سیمینار را به مشترکین توزیع نموده و ابلاغ کردند که هنگام بازگشت به قرا، فیصله‌های سیمینار را بمردم برسانند و فواید آن را تبلیغ کنند.

اما متأسفانه بعد از طرف صدور فیصله این سیمینار مصارف مرده داری و طویانه بلند رفته و (ولور) نیز از ۵۰-۴۰-۳۰ هزار افغانی به ۵۵-۴۵-۳۵ هزار افغانی رسید و این به خاطر آنکه اکنون علاوه بر مصارف دیگر، می‌باید حق التاریخ نماینده سیمینار را نیز تأدیه کرد.

پیشنهاد من اینست که اگر اولیای امور همچو سیمینار ها را به خاطر آسودگی مردم دایر می‌کنند، لازم است فیصله‌های آن را در عمل به‌صورت جدی تعقیب نمایند و اگر چنین نباشد حداقل از همچو سیمینار ها دست بگیرند و به خاطر یک فیشن رسمی باعث اتلاف وقت خود و وقت مردم نگردند و پیش‌تر باعث اذیت و یا سو مصارف اضافی دیگر بر مردم نشوند. (بقیه در صفحه ۴)

دردهای دل مردم

زندگی دردناک موسیقی‌دانان کشور ما

طرح مسأله تکامل هنر موسیقی ملی و خلقی در کشور ما در پهلوی سایر هنرهای زیبا، علل عقب ما نی و طرق انکشاف آن با تحلیل جنبه تکنیکی هنر موسیقی، و همچنان خطر نفوذ روش‌های بیگانه و راه‌های جلوگیری از آن در موسیقی ملی ما موضوع بحث جداگانه ایست.

اما آنچه عجالتاً مورد توجه قرار می‌گیرد و جسته و گسیخته انعکاس دردهای گروهی از موسیقی‌دانان محروم کشور پنداشته می‌شود، وضع رقت انگیز زندگی آنان است. فقر کشنده مالی، محرومیت از حقوق فردی، توهین و تحقیر، بی‌وسیله‌گی و عدم تشویق لازمه در زمینه انکشاف هنر و استعداد موسیقی‌دانان ما و بی‌توجهی به حیات بی‌سر و سامان آنان همه و همه دردها یست که چون خوره بنیان زندگی لرزان ایشان، مخصوصاً موسیقی نوازان (حرفوی) و خواننده‌گان (کسبی) را در کشور ما می‌خورد و روز تا روز حیات آنان را تلخ‌تر دردناکتر می‌سازد.

این گروه پر استعداد و فداکار از هنرمندان کشور، اگر هم توانسته‌اند تا کنون به حیات رقت‌بار خویش ادامه دهند و هنر و استعداد خود و فرزندان خود را از مرگ آنی نجات دهند، تنها به نیروی رنج‌ها و زحمات شخصی خویش متکی بوده‌اند، زیرا نه مکتبی، نه کورسی و نه کدام وسیله مؤثر دیگری برای انکشاف ذوق و استعداد و هنر ایشان وجود داشته و نه دولت کوچکترین توجه اساسی که واقعاً بدرد هنر و زندگی آنان بخورد، درین زمینه مبذول داشته است.

معهذا به همین دل‌خوش بودند که می‌توانند لااقل ماهی یکبار فریادهای دردآگین خود را از حنجره رادیو افغانستان به گوش دردمندان و علاقه‌مندان موسیقی کشور می‌رسانند. ولی شنیده می‌شود که در ین زمینه نیز محدودیت‌های به وجود آمده است، اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، این خود جراحت دیگریست بر زخم‌های گذشته این گروه محروم از هنرمندان کشور ما.

پرچم: موسیقی‌دانان عزیز! ما عقیده داریم که تا اتحادیه دموکراتیک خود را تشکیل ندهند و برای احقاق حقوق مسلم و انکشاف هنر و استعداد خویش و همچنان بهبود وضع زندگی و موقعیت ارجمند اجتماعی‌تان در یک صف متحد دست به مبارزه پیگیر و مؤثر نزنید، محال است جلو این‌همه بیدادگری‌ها و بی‌اعتنایی‌ها را در مورد خوش بگیرند و مجرایی برای شگوفانی هنر و استعدادهای درخشان تان دریابید.

دفتر احصاییه نفوس سمنگان کوچیان آن ولایت را غارت می‌کند

می‌کنند.

مدیریت احصاییه ولایت سمنگان به همکاری متنفذین محلی به بهانه توزیع تذکره، رفتار خیلی بی‌رحمانه و ضد خلقی را در برابر این کوچیان شریف و آواره در پیش گرفته اند.

کوچیان می‌گویند که عاملین احصاییه در برابر توزیع تذکره‌های تابعیت از فی نفر جوان (۳۰۰) افغانی، از فی نفر سالخورده (۱۵۰) افغانی و از فی نفر طفل (۱۰۰) افغانی می ربایند.

قرار معلوماتی که مردم محل داده‌اند، بعد از این که مبلغ هشتاد هزار افغانی از این خانه به دوشان فقیر دستبرد زده‌اند، بین غارتگران بر سر تقسیم کشمکش و مخالفتی رونما گردیده است.

از اداره محترم پرچم آرزو می‌بریم که به‌خاطر نجات این کوچیان هموطن و فقیر موضوع را نشر نموده از حقوق ایشان دفاع کند.»

پرچم: دسبرد بروکراسی فاسد را جداً تقبیح نموده و مطالبه می‌کند که هرچه زودتر به این فجایع خاتمه داده شود.

داستان

د جومات مړی

چکمن واغوست. راووتم، پلار می د سرای له دروازی سره راته ولاړو پوستین اوږده لکړه یی تکیه وهلی وه، چه زه یی ولیدم نو وخوځید او د سرای له دروازی څخه ووت زه ورپسی شوم او زمونږ تور سپی هم له کدانی راودانګل او په نری منډکی په ما پسی راوخوځیدږ پلار می د زیات عمر له کبله زوړ شوی و او کلوشی یی هم زړی وی.

څو ځایه غریبګوټی وښوییدو او په ځمکه ولوید خو ډواب او د خدای د رضا په لاره کی ده ته ددی تکلیف زغمل سخت کار نه و بلکه ده به خوند تری اخیست – او له هری حادثی سره به یی ویل:

«خدایه ته راضی شی »ماته به د ده د هر لویدو سره، د ده د اوږده عمر مندی او ستړی را په یاد شوی او دا به می سنجولای شوی چه ده د ځوانی په شپو کی څومره سخت وظایف اجرا کړی او څنګه د خپلی عقیدی په سیوری کی د ده د عمر طلایی ورځی د نورو تر هوسونو او جاه طلبیو قربان شوی او ده ته له خپلو هڅواو قربانیانو یواری همدا یوه (کلمه) (شکر) او اوږد احتیاج ورپاتی شویدی. سخته غصه راغله او د تور انتقام لوګی می ماغزه وخوځول زړه می په توپو شو او ګامونه می بیواکه ارت او اوچت شول – ګوره چه څه راوشول او پښه می لاره – سخت په ځمکه ولګیدم او کینه ځنګل می ژوبله شوه د شالخوا می د نجونو یوه مسته خندا تر غوز شوه کاته می چه د بزګرانو د نجونو یو ټولی چه په اوبو لمونځ ګذارانو حضور خراب شوی و، ځینو بزګرانو د لمانځه په وروستی صف کی ورو وړی را کړی کړی او د سترګو له کونجونونه یی کینی خواته وکتل – زه هم ګناکار شم او دا کار می وکه – خو څه می نشوی لیدای او یوازی دومره پوه شوم چه هلکانو یو شی نیولی او د جومات بری خواته یی راکاږی. ګوره دا به څه وی. بیا ځه پیښه شویده. ښایی د جلب یا د بیګار سپایان به راغلی وی او ملک کاکا به ټغرونه او توشکی ورته راوړی وی نو دا څګروی ولی؟

ښایی علاقه دار راغلی وی. پاتی لمونځ په همدسی وسوسو کی په ما باندی ډیر اوږد شو خو اخر پای ته ورسید. په دعا باندی چندانی خلک پوه نشول او چه دعا خلاصه شوه نو ټول کلیوال راپورته شول او تر رنځور مساپر را چاپیر شول.

پیرو اکا وویل: دا غریبګوټی تیره شپه د لویی لاری سره د کلی سموار ته را رسیدلی و او هماغلته پاتی و و خوراکی سخت رنځور دی. د سموار خاوند ره پی خبر کړم او ما هلکان له خان سره بوتلل او دلته می راوړو.

بزګرانو په ډیر دقت د پیرو لا لا خبرو ته غوږ ایښی و او څیر څیر یی رنځور پردیس ته کتل. هر چا به د پردیس په باره کی یو څه ویل او خپله تبصره به یی پی کوله – یوازی زما پلار چوپ و خو په سترګو کی یی دوه رنی اوښکی ځلیدلی.

انځر وویل: خوار سپین زیری دی ښایی کوم زوی به یی چیری نوکر وی او دی به د هغه پوښتنی ته ورځی.

رنګین چه یوه ګړندی او ځوان زلمی ووی ویل: ماته ښکاری چه دا سړی د غریبی لپاره خان آباد ته روان دی او یوازی ژمی هلته تیروی. یوه سپین زیری سړی وویل – یه داسی نده له کالیو یی داسی ښکاری چه خرکا دی او د ترکستان په خرو پسی راغلی او دابه یی هم انګیرلی وی چه لدی خوا به مالګه یی بار کړی.

هر چا هر څه ویل خو ده پخپله هیڅ نه ویل له واکه وتلی و او په ځان نه پوهیده. شوندو یی تور خروکی نیولی و و او سترګی یی پټی وی. پر له پسی خریده او کله به یی په ځګروی کی څو بی مفهومی کلمی له خولی را ووتی خو معنایی چا ته نه ورتله او

مورِ نه یی پوهیدو – د غاړی رګونه یی د تبی تاو جګیده.

د خیر نو کالیو بوی یی د جومات فضا لاپسی بد بویه کړی وه – یوه زړه او پیوندی خرجینه یی سر ته پرتع وه یو شکیدلی کوځویی په ځان و او په یوه تور وړین یړی یی کلک په ملا باندی تړی و – سترګی یی د سر په کاسه کی ښکته تللی وی او د سر خولې یی د خیرو له کبله سوری شوی وه او د خمتا یو زوړ لنګوټی یی پر سینه باندی ول ول را پروت و.

خدایدوست اکا د جومات ملا ته مخ راواړاوه، وی ویل: د پردیس حال ښه ندی، ښایی پور پری کړی. باید د ده کالی او پیسی خوندی شی – ملا او د کلی سپین زیرو ته د خدایدوست اکا خبره یخه ښکاره شوه د اړدیس خورجینه یی وپلټله بیایی د هغه له ملا نه تور وړین پړی خلاص کړ چکمن یی ځینی ویوست د زاوه بر کی واسکټ استر یی په دقت وکوت بیا یی د پردیس د کمیس ټنی د تاویز په شان تر کمیسه د لاندی په غاړه کی پرته ده، هغه یی تری خلاه کړه او د ده له کالیو سره یی کیښوده د کځوړی په منځ کی یو د لسو روپیو نوټ او یو څه توری پیسی چه ګرد سره دوه نیمی روپۍ کیدی پرتی وی. د خورجین په یوه پله کی یی د وچی ډوډی څو توټی یو څه وچ توت او په یوه غوټه کی لیږ خام تار او یوه ستن پیدا شول.

په بله پله کی د ماشومانو یو واسکټ او د خوږو یوه غوټه پرته وه او همدا و د پردیس ټوله هستی.

د جومات ملا مخ خلکو ته راواړ او وی ویل – تاسی شاهدان اوسی چه دا سپین زیری نور څه نلری او همدا شیان د ده ټوله هستی ده. بزګرانو د ملا خبره تأیید کړ او دا شهادت یی ومانه.

(نوربیا)

(از ص اول)

جنګ یا صلح ...

بدین‌صورت زمینه را برای یک صلح عادلانه و دایمی مساعد نمایند.

استقرار یک صلح قابل‌اعتماد و پایدار ایجاب می‌کند که باید:

- به تعرض امریکا در ویتنام خاتمه داده شود.
- آثار تجاوز سال گذشته اسرائیل از بین برده شود.
- استعمار با تمام اشکال آن به‌طور کامل محو گردد.
- مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر متوقف شود.
- تمام نیروهای خارجی از کشورهای بیگانه خارج گردد.
- به ملت‌ها چانس داده شود، نظام اجتماعی‌شان را بدون مداخلهٔ خارجی بسازند.
- گام‌های مؤثر دیگر در راه خلع سلاح عاموتام به حیث آرمان دیرینهٔ بشری برداشته شود.
- و مناسبات نورمال بین کشورهای دارای نظام‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی بر اساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری مفید متقابل استوار گردد.

اینست پایه‌های مستحکم استقرار صلح دایمی، اینست راه ایجاد جهان بدون جنگ و بدون سلاح، جهان برابری و برادری ملل و انسان‌ها – جهان آزادی و ترقی.

عکس و متن از صفحات نمایندگی پرچم در زمین نگذاشته اند

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۱۴ دلو ۱۳۴۷

په تول پاکستان کی سخته ناکراری روانه ده

د نړی د خبر رسولو آژانسونه خبر ورکوی چه د استبداد او فردی دیکتاتوری په ضد د خلکو پرله پسی مظاهراتو په پاکستان کښی ډیر شدت مونډلی دی. د پاکستان حکومت د مظاهرو د مخنوی په غرض له تشدد نه کار اخلی.

د پولیسو د ډزو په اثر دوولسو تنو زیات کسان وژل شوی او په لس ګونو کسان ټپیان شوی دی. په سلګونو مظاهرهچیان بتدیان او په ډیرو ښارونوکی د شپی ګرزیدلو قیود وضع شوی دی. ویل کیږی چه د پښتونستان په مرکز پښور او نورو ښارونو کښی د مظاهرو د شدت له کبله فوجی حاللت اعلان شوی دی. د پاکستان حکومت خپل زیات شمیر عسکر د پښتونستان او لویدیځ پاکستان نورو بحرانی سیمو ته لیږدولی دی. د پاکستان په ځینو ښارونوو کښی تګ او راتګ ځنډول شوی دی. د پاکستان په (پارلمان) کی د حکومت په تضدد آمیزه رویه باندی سخت اعتراضونه وشول. یو شمیر وکیلانو غوښتل چه قضیه په «پارلمان »کی تر بحث لاندی ونیسی خو د «پارلمان »رییس هغوی ته له «پارلمان »څخه د وتلو امر وکړ او وکیلانو امرونه مانه.

به صنایع کوچک باید توجه کرد

زراعت را باید رشد داد

نظر پرچمداران دموکراتیک خلق افغانستان راجع به رشد و تکامل زراعت و صنایع کوچک چیست این سؤالی است که یکی از خوانندگان پرچم طرح کرده است و پاسخ موجز در زمینه چنین است: محافل حاکمه کشور با هوا داری امپریالیزم، نه تنها در کار ایجاد صنایع ثقیل و متوسط بلکه علی رغم ادعای فراوانشان به حمایه، رشد و تکامل زراعت و صنایع کوچک نیز بهصورت قطع توجه لازم مبذول نمیدارند. تا جایی که به خط مشی اقتصادی ما تعلق دارد، صنایع ثقیل و متوسط در مرکز ساختمان اقتصاد ملی کشور ما باید قرار گیرد. ولی در عین حال هیچگاه نظر ما از رشد و تکامل زراعت و صنایع سبک و استهلاکی در کشور، چه در شرایط کنونی و چه در آینده در شرایط جامعه مترقی و نوین که باید در راه ایجاد آن مبارزه کرد دو ر نمیباشد.

بهمنظور رشد سریع اقتصادی و ایجاد اقتصادی ملی باید صنایع و زراعت بهصورت متوازن و همزمان با یکدیگر رشد و تأمل کنند. زیرا درین صورت است که صنایع مواد خام و بازار فروش پیدا میکند و هم سرمایه بیشتری برای ایجاد صنایع ثقیل و متوسط تدارک میگردد. به این ترتیب از یکسو رشد و انکشاف زراعت برای صنایع ثقیل بازار فروش تهیه میکند و از جانب دیگر با ایجاد صنایع ثقیل، میکانیزه کردن و مدر نیزه کردن تدریجی زراعت بهوسیله ماشین آلات و کود و وسایل آبیاری و ماشینهای تولید برق و وسایل حمل و نقل و همچنین مواد سوخت و مصالح ساختمانی برای مصرف کنندگان دردهات تهیه میکردد.

بنابراین ما نه تنها پشتیبان ایجاد و رشد صنایع کوچک و مواد استهلاکی و زراعت هستیم، بلکه بشدت حکومت را محکوم میسازیم که چرا صنایع کو چک را در برابر تولیدات مشابه خارجی حمایه نمیکند و راههای منطقی سرمایه گذاری خصوصی داخلی و دولتی و مختلط از هر دو را در زمینه صنایع کو چک مصر فی جستجو نمیکند و آنها را تحت نظارت و رهنمای علمی و مترقی دولت قرار نمیدهد. زیرا معتقدیم که تا حدودی صاحبان صنایع کوچک مهمی »بورژوا ملی «باید تحت حمایه و تشویق و کنترول قرار داده شوند، زیرا تا اندازهیی خصلت ضد امپریالیستی دارند و در ایجاد اقتصادی ملی میتوانند بهصورت نسبی سودمند واقع شوند.

بهر حال برای اینکه افغانستان به یک قدرت صنعتی بدل گردد، باید تجارب گزان بهای کشورهای پیشرو و مترقی و نوین را که چطور توانستند در یک نسل ا نسا نی صنایع و زراعت کشور صنعتی تبدیل نمایند، بیاموزیم.

فقط اصلاحات عمیق و ا سا سی ارضی، تقویه سکتور دولتی و ملی کردن تجارت خارجی در یک دولت دموکراتیک میتوان باعث رشد و تکامل سریع کشاورزی و صنعتی کشور گردد و بهصورت متوازن و هم ا هنگ و همزمان صنایع ثقیل متوسط و سبک و زراعت را انکشاف دهد.

(خلیل زمر)

از (ص اول)

وضع اقتصادی زحمتکشان

کوچی گری با چاپ و نشر عکسهای رنگارنگ داد سخن داد میشود.

وضع مسکن در شهرها به مشکل حادی مبدل گردیده است.تخمین در حدود ۳۰ فیصد خانهها در شهر کابل کرایی میباشد اکثریت این خانههای کرایی فاقد شرایط عادی یک خانه قابل نشیمن است. کرایه خانهها تا حدودی بلند است که دوسوم یا حداقل نیمهی از دستمزد قشرهای کم درآمد زحمتکشان را میبلعد. افرادی که عاید خیلی کم و ناچیز دارند قادر به کرایه کردن خانه نیستند سنگینی کرایه خانه تعداد کثیری از اقشار زحمتکشان را مجبور میسازد که سیادت صاحبان خانه را به پذیرند و در بدل کار مجانی یا خیلی ارزان کودکان و سایر اعضای خانواده خود در یک اتاق تاریک و نمناک یا گاراژ پر نم همسطح با زمین کوچه اقامت نمایند. گرچه در شهرها منازل جدید زیادی ساخته میشود اما غالب این منازل نو ساخت به غرض آسایش و زندگیهای پرتجمل اقشار ثروتمند و طفیلی جامعه بکار میرود. اکنون مسابقه »دفن کردن پول «در ساختمان خانههای»آخرین مودل «و آپارتمانها بخصوص در شهر کابل به حدی بالا گرفته و تعداد چنین خانهها زیاد شده است که در یک تعداد زیادی آنها کسی نشیمن ندارد. البته خالی ماندن خانهها به گرانی کرایه مربوط است نه اینکه سرعت ساختن خانههای کوچک اقتصادی و کم مصرف بیش از نیاز اهالی به مسکن میباشد.اکثریت مطلق پر جمعیتترین قسمت شهرها در خانههای کهنه و فرسوده سکونت دارند که برای زندگی مناسب نیست بیشتر از ۵۰ فیصد از خانوادهها در یک اتاق زندگی میکنند در حالی که هستند خانوادههای که از داشتن یک اتاق نیز محرومانند.در اطراف شهرها بخصوص شهر کابل مناطق فقر و بیکاری و سمت مییابد خانههای که حومه شهرهای بزرگتر ساخته میشود اکثر فاقد هر گونه شرایط حداقل صحی است.

کارگران پس از پیمودن فاصلههای طولانی صبحها وقت به کار میروند و شبها ناوقت باز میگردند و بدینترتیب در بدل مزد ناچیزی روزانه بیش از ده ساعت وقت به هدر میدهند.

کار گران کار خانهها از لحاظ مسکن در مضیقه هستند کار گران فابریکات نساجی گلبهار و پلخمری که با توانفرسای ایشان ملیونها افغان ثروت نصیب صاحبان اسهام و سرمایه داران آزمند آن گردیده است ازین لحاظ سخت دچار مشکلاتاند.

با فرار دهقانان و زحمتکشان درمانده کشور از ده به شهر علاوه بر آنکه عرضه کار در شهرها بهتناسب تقاضا زیاد میکردند مشکل بیخانگی نیز شدت میابد.

صدها هزار انسان زحمتکش بزرگسال و خورد سال مرد و زن کشور بخصوص آنهایی که کار روز بر ندارند از بدی وضع مسکن و فقر وحشتناک و کشنده رنج میبرند.

برهنگی و فقر غذایی:

زحمتکشان کشور از داشتن لباسی که، صرف نظر از نامناسب بودن آن، حداقل تن شان را از گزند گرما و سرما حفاظه نمایند محروم هستند غذای که حداقل کالوری و انرژی کار را برای ایشان تأمین نمایند میسر نیست. بالعموم مردم به چنان فقر افتادهاند که گوشت تخم ماهی شکر و غیره به علت گرانی زیاده از حد جزء آرزوهای دور از دسترس ایشان قرار گرفته است.

فصل دهها نوع خوراکه و میوه میگذرد اما زحمتکشان نمیتوانند بر آن دست یابند.

در سالهای اخیر (مثلاً در سال ۱۳۴۵) بهحساب فی نفر در حدود ۲۰ کیلو گرام یا ۴۵ پاو برنج و ۱۱ کیلو یا ۲۵ پاو گوشت در کشور تولید شده است، همه میدانند که ۴۵ پاو برنج و ۲۵ پاو گوشت در یک سال که بهصورت متوسط برای فی نفر نشان داده میشود، چگونه به دسترس اشخاص قرار میگیرد. در حالی که اکثریت مطلق خانوادههای زحمتکشان حتی مزه آن را نمیچشند. اقلیت مفتخوار هر روز و هر شب »پلاو « میخورند و بدینجهت از طرف بلند گویان طبقه حاکمه »پلاو «به حیث غذای عنعنوی مردم معرفی میگردد. باید این آقایان (!) بدانند که اقلیت مفتخوار پلاو خوار جزء مردم نیستند. غذای همیشگی و »عنعنوی «مردم-زحمتکشان کشور را نان خشک و چای تلخ تشکیل میدهد که

ارقام مربوط به مصرف این دو جنس گواه مدعای ماست.مصرف متوسط سالانه فی نفر ۱۶۲ کیلو یا ۲۲ سیر گندم و ۴۸ کیلو یا ۷ سیر جواری است و در حدود ۰/۴۶ کیلو یا تقریباً یک بر چهار پاو چای است.

بدینترتیب بیشتر از ۴۵۰ ملیون افغانی در سال ۱۳۴۵ برای توريد چای پرداخته شده، جالب اینکه زحمتکشان کشور معمولاً قادر نیستند با »نان و چای «خود حتی مقداری شکر همراه سازند، چه حد متوسط مصرف فی نفر در سال بیشتر از چهار کیلو یا کمتر از یک پاو شکر نمیباشد و این مقداری فوقالعاده قلیل است که از آنهم قسمت بیشتر را خانوادههای مرفهالحال به اشکال گوناگون به مصرف میرسانند.

(باقی دارد)

بقیه ص ۳

در ولایت فراه تعصبات قبیلوی را تحریک میکنند

بناغلی (ک) از ولایت فراه مینویسد:

«در این اواخر بین معلمین، متعلمین و عدهیی از اهالی ولایت فراه، اختلافات قومی ایجاد شده است. این اختلافات که هنوز محدود است احتمال دشمنیهای تازه را بین مردم بهوجود آورده است.

اکنون ثابت شده است که موجد این اختلافات مدیریت معارف ولایت فراه میباشد. زیرا مدیر... به وسیله تحریک «زیها »برای حفظ مقام خود میکوشند. در سلسله این بازی عدهیی از متعلمین را به نام بارکزی و یکهده دیگر را به نام نورزی علیه یکدیگر متوجه میسازد. اکنون دامنه این اختلاف از ساحه مکتب به سوی توده مردم گسترش یافته است.

این حرکات مدیر... فراه باعث انجار عمیق مردم شریف فراه شده و آرزو میکنند تا به همچو عناصر تفرقهانداز، در چنین مواقف نازک و مهم، موقع کار داده نشود. شاگردان ولایت فراه فریاد میزنند:

- دست عناصر تفرقه افگن را کوتاه کنید!

- تفرقه افگنی بین مردم دشمنی با وطن است!

- زنده باد اتحاد مردم وطن ما!»

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

تایپ متن و ویرایش جدید: عمر فیض

مطبعه دولتی

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

ضربه دیگری بر استعمار

کنفرانس پشتیبانی از مردم مستعمرات پرتاگالی و جنوبی افریقا که در اثر ابتکار سازمان اتحاد افریقا و شورای جهانی صلح در خرطوم (مرکز سودان) دایر شده بود، به تاریخ ۲۰ جنوری پایان یافت. در ختم کنفرانس اعلامیهیی نشر و در آن گفته شده است که شاملین وضع کنونی افریقا را کاملاً تحلیل و پلانهای مؤثری به غرض سفر بر کردن تمام نیروهای مترقی، به خاطر کمک فعال به جنبش آزادیبخش قاره افریقا طح کردن. در این کنفرانس نمایندگان بیش از پنجاه کشور اشتراک ورزیده بودند.

روحیهای که بر کنفرانس حکم فرما بود نشان میداد که اشتراک کنند گان مصمماند به استعمار و استعمار جدید در افریقا جواب دندان شکن بدهند. وحدت کلیه نیروهای مترقی و دموکراتیک افریقا ضرورت روز است و کنفرانس خردم نام بود، بهپیش در این جهت.

به تاریخ ۲۵ جنوری مطابق به پنج دلو کنفرانس بینالمللی پشتیبانی از مبارزه اعراب در قاهره دایر گردید. امروز جهان عرب در پیشاپیش مبارزه ضد امپریالیزم قرار دارد. رژیمهای دموکراتیک انقلابی که در کشورهای عربی به ظهور میآیند میتوانند به حیث مثال برای دولتهای جدید افریقایی خدمت کنند. اعراب بهحق معتقد اند که باید مبارزه علیه امپریالیزم و استعمار نوین ودر نتیجه به خاطر سوسیالیزم بهصورت مشترک از طرف تمام نیروهای مترقی افریقا و آسیا پیش برده شود.

امپریالیزم در مبارزه علیه اعراب از اسراییل به حیث وسیله استفاده مینماید، امروز نیروهای امپریالیستی اسراییل را به غرض تخریب قوتمندی وطن پرستی و بیداری ملی در جهان عرب استخدام نمودهاند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست امریکا طی پیامی که به شانزدهمین کنگره حزب کمونیست اسراییل فرستاده است، از اعمال امپریالیزم امریکا در اسراییل شدید انتقاد نموده و این رویه غیرانسانی حکومت اسراییل را خلاف موازین انسانی خوانده و تقاضا کردهاند تا عساکر اسراییل هر چه زودتر از مناطق اشغال اعراب فرا خوانده شوند. در پیام گفته شده که این سیاست اسراییل منجر به نابودی خود اسراییل خواهد شد، ما سیاست غیرانسانی اسراییل را شدید ا محکوم میسازیم. در پیام. از مبارزه شجاعانه حزب کمونیست اسراییل به مقابل حکومت آن ستایش گردیده است.

در ویتنام جنوبی

آژانس خبر رسانی جبهه آزادی بخش ملی از ویتنام جنوبی اطلاع میدهد که نیروهای آزادیبخش ملی در سال ۱۹۶۸ در ایالت میکانک ۳۴۰۰ عملیات جنگی علیه قوای امریکا و حکومت سیگون اجرا کردند. به شمول ۸۰۵۰ نفر افراد امریکایی ۲۵۰۰۰ عسکر دشمن کشته یا زخمی شدند، در اثنای این عملیات، نیروهای آزادیبخش ملی به شمول ۱۶۷ تانک و وسایل ثقیلیه زرهدار، ۶۰۰ عراده نظامی را از کار انداختند، ۱۱۰ کشتی جنگی دشمن را غرق یا خسارهمند ساختند، ۱۵۴ عدد طیاره را سرنگون یا در میدانهای هوایی از بین بردند و مقدار زیادی اسلحه و تجهیزات نظامی دشمن را به غنیمت گرفتند.

جنایات در امریکا رو به افزایش است

دیرکسن رهبر جمهوری خواهان در مجلس سنا، بعد از یک ملاقات با ریچارد نکسن اظهار داشت که پرزیدنت نکسن برای مبارزه علیه جنایات تخصصیه های اضافی در خواست مینماید. پرابلم جنایات در امریکا بهطور بیسابقهای کسب وخامت نموده است. شاغلی نکسن در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که گشت و گذار در پای تخت ایالات متحده و در بعضی از شهرهای بزرگ دیگر آن، بخصوص در اثنای شام مصون نیست. نیویارک تایمز واشنگتن را شهر ترس و جنایت خوانده است.

اعدام جاسوسان اسراییلی در عراق

حکومت عراق (۱۴) نفر را به جرم جاسوسی برای اسراییل غر غره کرد، از ین جمله (۹) نفر یهودی بودند.

اعدام این جاسوسان در برخی از ممالک غربی موجب نگرانیهایی شد در لندن مظاهراتی در برابر سفارت عراق صورت گرفت و حکومت عراق نسبت به این امر بر انگلستان احتجاج کرد.

وزیر خارجه المان شرق در جمهوریت متحد عرب

او تو و نزر وزیر خارجه المان شرق مذاکراتش را با محمود ریاض وزیر خارجه جمهوریت متحد عرب آ غاز کرد. طرفین وضع شرق میانه را در روشنی امتناع اسراییل از تطبیق فیصله ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت و موقف المان غرب که به اسراییل در تعرضش علیه کشورهای عربی همه جانبه ادامه مینماید، جانبین روابط متقابل بین جمهوریت دموکراتیک المان و جمهوریت متحد عرب را مورد بحث قرار داده، به این نتیجه رسیدند که جمهوریت دموکراتیک المان قونسلگری خود را در اسکندریه افتتاح نماید و جلسه کمیته مشترک اقتصادی در برلین در مارچ ۱۹۶۹ تشکیل گردد.

اعتصابات و تظاهرات

چاپان: بار دیگر زد و خورد بین پولیس و محصلین در توکیو رخ داد و از طرفین ۹۷ نفر زخمی شدند، محصلین خواهان لغو قرارداد نظامی و تخلیه پایگاه او کینا و از جانب امریکاییان بودند.

امریکا: محصلان پوهنتون کالفورنیا از سه ماه به اینطرف دست به اعتصاب زده، خواهان رفورم درسی در پوهنتون میباشند.

هسپانیه: پولیس فرانکو بار دیگر بر مظاهرهچیان حمله نموده و تا کنون ۹۰۰ نفر دیگر را زندانی ساخته است. درین مظاهره علاوه بر محصلان، کارگران، روحانیون و غیره نیز اشتراک نموده بودند.

وزیر داخله رژیم فرانکو اعلام کرد که: »باید زندانهای جدید تهیه شود .«ولی مردم هسپانیه فیصله نمودهاند که به مبارزات خود علیه دکتاتوری ادامه بدهند.

ایتالیا: اتحادیههای بزرگ کارگری در ایتالیا فیصله کردند که در هفته آینده برای بیست و چهار ساعت دست به اعتصاب بزنند. آنها خواهان دستمزد پیشتر اند.

ترکیه: اخیراً کارگران فابریکه های نساجی ترکیه دست به اعتصاب زدند.